



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۳/۰۸/۱۶



جليل غني

اشک تمساح

از کودتای هفتم ثور سال ۱۳۵۷ مطابق ۲۷ اپریل ۱۹۷۸ که حزب دموکراتیک خلق زمینه ساز دخالت مستقیم و بعداً تهاجم قوای خارجی به افغانستان گردید، تا همین اکنون مردم افغانستان برای منافع قدرت های بزرگ جهان و همسایگان پائین رتبه ی منطقه یی قر بانی می دهند. چه این قربانی ها تلفات جانی بوده و چه مالی و مادی و معنوی و روحی و چه نظام اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که از بنیاد ویران گردیده است و روزی نیست که این قربانی ها به شکلی از اشکال ادامه نیافته باشد.

افغانستان که یکی از فقیر ترین ولی ثروتمند ترین کشورهای جهان با در نظر منابع و معادن زیر زمینی و منابع روی زمین مثل دریاها و تولیدات زراعتی و گیاهان طبی است، امروز یکی از فقیر ترین، نا امن ترین و محتاج ترین کشورهای جهان است و طبق بر رسی های منابع مختلف جهان و ملل متحد و اتحادیه ی اروپا و سایر نهادی بین المللی بیش از بیست و هفت ملیون نفوس تقریبین چهل ملیونی این کشور زیر فقر زندگی میکنند و حتی روز یک وعده غذای کافی هم ندارند و بیش هفت ملیون طبق بر رسی اتحادیه ی اروپا، امسال در آستانه ی قحطی قرار دارند که بیشترین آنها اطفال می میباشدند در حدود پنج ملیون نفوس این کشور بیشتر در کشور های همسایه و سایر مناطق جهان در نتیجه ی فقر و بیکاری مهاجر بوده و در جست و جوی زندگی بهتری هستند و اکثر آنها جوانان و نسل جدیدی هستند که از تحصیل محروم شده اند و در جستجوی دوام تحصیل هستند و یا هم فقر شدید دامنگیر آنهاست و مجبور شده اند برای کمک به خانواده های شان راه کشور های دیگر پیش گیرند.

قشر دیگری که با به قدرت رسیدن طالبان کشور را در اثر فشار و احساس بی امنی و یا عدم توانایی تحقیر و تعجیز و فضای خفقان آور زندگی از افغانستان بر آمده اند استادان دانشگاه ها، خبر نگاران، شاعران، نویسندگان، سیاستگران و روی هم رفته به قول معروف خبگان و اشخاص مسلکی دیگر هستند که سرمایه های معنوی کشور هستند.

جوانان به خصوص دختران از تحصیل باز مانده اند و تعداد زیاد خانواده ها برای فراهم ساختن زمینه ی تحصیل برای فرزندان شان مجبور به ترک وطن شده اند. دختران حق تحصیل را از صنف ششم به بالا ندارند و اخیراً دستور داده شده که دختران بیش از ده ساله هم حق تعلیم و تحصیل را در مکاتب ابتدائیه ندارند.

کشور های جهان و ملل متحد همه روزه در دفاع از تحصیل و حقوق بشری دختران و زنان و حق کار برای آنها اعلامیه صادر میکنند و اعمال طالبان را محکوم میکنند و داد و فریاد آنها همه رسانه های خبری و شبکه های اجتماعی را پر کرده است مثل اینکه این پدیده ی طالب و گروه طالبان چیز نو و نا شناخته ی باشد که یک شبه از آسمان به زمین نازل شده و اکنون جهان را سراسیمه ساخته باشد.

سوالی که هیچ یک از فریاد زنان و مدافعین حقوق انسانی زنان و دختران و حق زندگی مردان این سرزمین نفرین شده حاضر نیست جواب آن را به دهد شاید این باشد که آیا جهان و این مدافعین حقوق بشر و به خصوص زنان، طالب و اندیشه و تفکر طالبی را نمی شناختند و بار اول است که با چنین عجوبه یی رو به رو می شوند؟ در پنج سال حاکمیت اول خود در افغانستان نیز طالبان دختران را از تحصیل باز داشتند.

طالب و طالبانیزم بار اول از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۱ نیز برای پنج سال در افغانستان به قدرت رسانیده شد، نه این که بزور خود در همان زمان نیز قدرت را تصاحب کرده باشد، و جهان تجربه کافی از نوع حکومت داری و سیاست های داخلی و خارجی آن داشت و روی همین دلیل به استثنای پاکستان، عربستان و اتحادیه امارات عربی هیچ کشور دیگری آن اداره را به رسمیت نشناخت. طالب یک گروه دهشت افکن شناخته شده بود چنانچه تا همین اکنون هم در حدود یکصد نفر از رهبران این گروه شامل تحریم های ملل متحد و تعداد دیگری از کشور ها هستند و کشور های غربی و سایر کشور ها هم تا کون اداره ی طالبان را به رسمیت نشناخته و این تصمیم را مربوط به رفع روش تبعیض جنسیتی و احقاق حقوق بشری زنان و سایر مردم افغانستان دانسته اند.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

اتحادیه ی اروپا در گزارش جدید خود و همچنان منشی عمومی ملل متحد و کشور های دیگری مثل برتانیه از بروز یک قحطی احتمالی در سال جاری و فقدان مواد غذایی به تقریباً سی ملیون نفر در افغانستان ابراز نگرانی میکنند امریکا مدعی است که با وصف خروج فاجعه بار قوایش از افغانستان در حدود یک میلیارد دار به افغانستان کمک کرده است.

تسلیمی افغانستان به چنین گروهی علت العلل همه ی این بد بختی هاست و آنچه امروز دیده می شود عوارض و معلول این علت است نه اصل معضله و مشکلی که امروز مردم افغانستان پس از بیشتر از چهل سال قربانی دادن به چنین حالت و وضعی قرار داده شده اند.

شکی نیست که پس از سقوط دادن حاکمیت اول طالبان در افغانستان در سال ۲۰۰۱ جهان میلیارد ها دالر کمک مالی به افغانستان نمود و ده ها هزار قوای نظامی را برای همکاری با دولت نو پای افغانستان بر مبنای موافقتنامه بُن به افغانستان فرستاد و حکومت جدید هم پس از مذاکرات تحت نظر ملل متحد و امریکا و بعضی کشور های دیگر در بُن تشکیل و به افغانستان اعزام گردید. اما هم مردم افغانستان و هم جهان و تشکیل داده گان این حکومت دیدند و تجربه کردند که آن حکومت از چه عناصری دست چین شده بود و چه بود که نکردند. از همان مراحل اول کار آن حکومت فساد اداری و رشوه و اخاذی و حیف و میل و چپاول نمودن کمک های جامعه ی جهانی آغاز و حتی دست بازی ها و تقلب ها در انتخابات های سه دوره ریاست جمهوری و خیانت به اراده ی مردم افغانستان و رای آنها، زبان زد جامعه ی جهانی گردید. حکومت های که صلاحیت های محدود در تصمیم گیری های دولت داری داشتند و اکثریت پروژه های به اصطلاح انکشافی و باز سازی به قرار دادی های غیردولتی یا خصوصی داده می شد و به هزاران نهاد غیر حکومتی داخلی و خارجی که اکثریت آنها به گروه های تنظیمی سابق و اعضای حکومت تعلق داشتند و به هیچ مرجعی هم جوابگو نبودند، سپرده شده بود. وزیر پلان آن زمان که یکی از وطن دوستان صادق و پاک بود یک هزار دو صد موسسه باز سازی را که در دستبرد پول پروژه های باز سازی دست داشتند منحل نمود که باعث نا رضایتی رئیس دولت گردید و او را از کابینه منفک نمود. این بود نمونه ی حکومتی که کنفرانس بُن تعیین کرده بود. ولی در همان زمان همین کشور های کمک کننده هیچ کدام اعتراض علنی به چنین خیانت ها نکردند و سالها بعد بود که اداره باز رس ویژه یا سیگار را تشکیل دادند که تا کنون هم باز رسی این اداره ادامه دارد و سال چند بار نتیجه ی تحقیقات را در مورد حیف و میل نمودن کمک های بین المللی نشر میکند و لی تا کنون هیچ مرجع داخلی و یا خارجی به جرم چنین جنایتی محاکمه نشده است.

سوالی که کسی حاضر نیست جواب به دهد اینست آیا زمانی که قدرت به طالبان بر اساس معامله ی دوحه سپرده می شد بدون شناخت و تحقیق در باره ی گذشته و شناخت طالبان بود و یا با وصف شناخت این گروه چنین معامله ی صورت گرفته؟

این سوال را آقای خلیل زاد باید جواب بگوید که با وصف شناخت و ارتباط با طالبان و بدون شراکت حکومت افغانستان که با رای مردم به قدرت رسیده بود، بگذریم که تقلبی بوده یا حقیقی زیرا در بسیار ی کشور ها این گونه بی نظمی ها دیده شده، و بدون اینکه یکی از امضا کنندگان این معامله بوده باشد قدرت به این گروه داده می شود و به حکومت بر حال و مشروع گفته می شود بروید و مشکل تان را با طالبان از راه مذاکره حل کنید. به به این معامله. مگر این که کاسه ی در زیر نیم کاسه باشد که نه تو دانی و نه من و نهم مردم زجر کشیده ی افغانستان.

حالا هم کشور های جهان و دلسوز!! اگر واقعا می خواهند مردم افغانستان را از این تهله که جهان را از پریشانی نجات دهند، نوحه کردن، محکوم کردن، اعلامیه صادر کردن، به رسمیت نشناختن، ولی پشت پرده به این گروه برای بقای آن کمک مالی و تخنیک کردن، راه علاج نه، حتی تسکین دهنده ی درد جانگناه مردم افغانستان هم نیست بلکه همانطوری که بدون حضور و شراکت حکومت مشروع افغانستان که در جامعه ی بین المللی هم به رسمیت شناخته شده بود، بر سر نوشت افغانستان معامله شد، بار دیگر، نه آقای خلیل زاد ولی مرجع دیگری، مثل ملل متحد و یا اتحادیه ی اروپا و یا سازمان های بی طرفی که به نام دفاع از حقوق دختران و زنان افغانستان و رفع محدودیت های که بر زندگی مردم عادی این کشور از طرف طالبان وضع گردیده، یخن پاره میکنند و اشک تمساح می ریزند، دست و آستین بر زنند بار دیگر به کمک و اشتراک مستقیم مردم افغانستان میکانیزم کار آمدی را شکل دهند که هم مردم افغانستان و هم جهان از چنین وضعی که خطر انتشار دهشت افگنی و تند روی در منطقه و جهان با همکاری های مشهود بین القاعده و طالبان و با تاسیس بیش از پانزده هزار مدرسه، کاپی مدرسه های جماعت اسلامی و حقانیه در پاکستان است، و به احتمال قوی توسط همان استادان در نقاط مختلف افغانستان تدریس می شود و در حال تاسیس است، بیشتر از پیش متصور است. ایت تهدید ها جدی تر شده می رود و روزی خواهد رسید که در قدم اول منطقه و متعاقب آن جهان با چنین یک تهدید بالقوه مواجه خواهد بود.

پایان

د پانوی شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په ځیر و لولئ